

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ جولای ۲۰۲۰

جدائی "جمعیت اسلامی" و "شورای نظار" رسمیت یافت!

۳

دوشنبه - ۱۶ سرطان ۱۳۹۹ - کابل:

۲- با کشته شدن "احمدشاه مسعود" خلاف ظواهر امر که "برهان الدین ربانی" داد و فریاد به راه انداخته و با کشته شدن وی خود، جمعیت اسلامی و جهاد را سوگوار اعلام نمود، در واقعیت امر برای مدتی امیدوار شده بود که بتواند مشکل "شورای نظار" و باند "زمره فروشان پنجشیر" را با یک و یا دو ضربت و بذل مقداری پول توأم با تشدید توطئه و انفاق افگنی بین آحاد "شورای نظار" آن نهاد را به نفع "جمعیت اسلامی" از بین ببرد.

حوادث و اتفاقات بعدی نشان داد که "برهان الدین ربانی" با تمام زیرکی و تبحر در توطئه و ایجاد نفاق، نزد باند "زمره فروشان پنجشیر" کودکی بیش نبود، چه به محض کشته شدن "احمدشاه مسعود" و به تعقیب آن حملات جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و شرکاء، در حالی که تا آن زمان "جمعیت اسلامی" و برداران "احمدشاه مسعود" در سوگ "احمدشاه مسعود" اشک می ریختند، باند سه نفره "قانونی، فهیم و عبدالله" با تکیه بر زیر ساخت های تشکیلاتی به جای مانده از "احمدشاه مسعود" تمام قدرت را به نفع "شورای نظار" قبضه نموده، هم در میدان جنگ و هم بالای میز مذاکره، خود را وارثان حقیقی "احمدشاه مسعود" معرفی و به امر و نهی شروع نمودند.

حرکت باند "سه نفره" به وضاحت نشان داد که تدارکات کودتاگران "احمدشاه مسعود" به نمایندگی از "شورای نظار" و باند "زمره فروشان پنجشیر" چنان عمیق ریشه دوانیده بود که حتی در غیاب خودش نیز، جانشینانش قادر شدند، "برهان الدین ربانی" را ضربه فنی نمایند.

این ضربه فنی زمانی اوج خود را نشان داد که اولاً "قانونی" و "عبدالله" علی رغم موجودیت شخص "برهان الدین ربانی" به حیث رئیس "دولت اسلامی" افغانستان که شناسائی جهانی از جانب ملل متحد و کشور های هند، روسیه، ایران و ... داشت و ده ها کادر باسابقه و توانمند "جمعیت اسلامی" به حیث سخنگویان و نمایندگان با صلاحیت "اتحاد شمال"؛ راهی بن شده در اولین اقدام به کمک امپریالیسم امریکا و نماینده خاص آن "زلمی خلیلزاد"، در ازای تثبیت و تضمین چند مقام برای باند "زمره فروشان پنجشیر"، به اصطلاح رئیس "دولت اسلامی" یعنی "برهان الدین ربانی" را از قدرت برکنار و نردبان ترقی یک تن از جواسیس تکنوکرات به نام "حامدکرزی" را که تا آن زمان برای مردم

"کرز" چندان شناخته شده نبود تا چه رسد برای تمام ولایت قندهار و یا افغانستان، به حیث رئیس حکومت موقت و عبوری فراهم نمودند.

"برهان الدین ربانی" و بقیه "جمعیت اسلامی" که حتا در تصور شان نمی گنجید تا چنین کودتائی را پیش بینی نمایند، در جو و فضای ترسی که امپریالیسم امریکا و شرکاء از طریق غرش طیارات بمب افکن "ب-۵۲" و راکت های کروز به وجود آورده بودند، چنان هراسان شده بودند که حتا نمی توانستند صدائی در مخالفت با چنان تصمیمی بلند نمایند تا چه رسد به تقابل علنی و عملی با آن.

از آن زمان به بعد، "شورای نظار" که از طریق "باند سه نفره" تقریباً حاکمیت را در اختیار داشتند، در پناه حمایت امپریالیسم و شرکاء همزمان از یک سو تلاش ورزیدند تا باند "زمردفروشان پنجشیر" را بر تمام افغانستان حاکم سازند، و در همین راستا از یک ولسوالی درجه سوم ولایت پروان به نام پنجشیر، بیش از ۱۸۰ جنرال پاچه سرخ را در وزارت دفاع مقرر نمایند و از جانب دیگر، افراد مهم و قومندان های متعهد به "جمعیت اسلامی" را که از ترک تازی باند "زمرد فروشان پنجشیر" و در رأس آن "باند سه نفره" ناراض بودند، یکی به دنبال دیگری گاهی علنی مانند "داکتر عبدالرحمان" و زمانی هم مخفی و از طریق ریاست امنیت ضد ملی دولت دست نشانده که کلاً به وسیله آنها از طریق بازسازی "خاد" داکتر "نجیب" و عمده ساختن نقش "خاد پنجشیر" در آن، به وجود آمده بود، مانند ترور "حاجی قدیر"، "قومندان" "داوود" و ده ها تن از قومندان های "جمعیت اسلامی" در ولایات بدخشان، تخار و پروان و مجموع کوه دامن زمین، بستر دوام قدرت شان را به ضرر "جمعیت اسلامی" گسترش دادند.

طرف مقابل "باند سه نفره" یعنی برداران "احمدشاه مسعود"، "برهان الدین ربانی" و "اسماعیل خان"، هرچند در ظاهر با آن "باند" مخالف بودند، مگر در عمل کاری از دست آنها ساخته نبود زیرا تمام نهاد های قدرت و پول را آنها در اختیار داشتند. تلاش های مذبحخانه آنها جهت احیای "جمعیت اسلامی"، و خطر بالقوه ای که از آن ساحه حاکمیت بلامنازع "باند سه نفره" را تهدید می کرد، باعث شد تا آنها باز هم با برخورداری از سلطه شان بر "ریاست امنیت ضدملی" ضمن یک توطئه مرگبار، "برهان الدین ربانی" را نیز به قتل برسانند. تا نه تنها خطر را از خود رفع نمایند بلکه "جمعیت اسلامی" را نیز مطلقاً تابع خود ساخته در اختیار بگیرند.

در چنین شرایطی تعدادی از اعضای "جمعیت اسلامی" مانند "عطا نور"، "اسماعیل خان"، "امان الله گنر" و تعداد دیگری از آنها که نمی خواستند به آسانی تسلیم "باند سه نفره" شوند و زمان لازم داشتند تا با اطمینان به حفظ منافع شان خود را تسلیم آنها نمایند، "صلاح الدین ربانی" پسر ارشد "برهان الدین ربانی" را که در انگلستان دوران ماستری اش را در زمینه "حقوق بین الدول" تمام کرده و آرزوی تحصیلات بیشتر را داشت، به کابل خواسته ضمن سپردن زمام امور "جمعیت اسلامی" به دستش وی را در رأس به اصطلاح "شورای عالی صلح" نیز گماشتند.

ادامه دارد